

## لبخند انار



■ هوشنگ مرادی کرمانی  
■ آخرین چاپ: ۱۴۰۰  
■ انتشارات: معین  
■ تعداد صفحات: ۲۵۰

مجموعه داستانی شامل شانزده داستان کوتاه که در سال ۱۳۷۸ چاپ شده و تا به امروز بیش از بیست بار تجدید چاپ شده است. این کتاب نیز مثل دیگر آثار داستانی مرادی کرمانی با زبانی ساده و صمیمی روایت می‌شود. به طور مثال داستان «لبخند انار» براساس خاطرات گروهی افراد میانسال از دوران تحصیل در مدرسه به رشته تحریر درآمده است...

## شما که غریبه نیستید



■ هوشنگ مرادی کرمانی  
■ آخرین چاپ: ۱۴۰۰  
■ انتشارات: معین  
■ تعداد صفحات: ۳۵۴

«شما که غریبه نیستید» عنوان زندگی‌نامه هوشنگ مرادی کرمانی است. بیشتر رویدادهایی که در زندگی راوی پیش می‌آید سخت و تأثیرگذار است و سخت‌تر از آنها ضربه‌های عاطفی است که به او وارد می‌شود. اما راوی در آن فضایی که فقر مادی و فقر فرهنگی به هم آمیخته است به روش‌های گوناگون سهم خودش را از زندگی می‌گیرد. با شیطنت‌ها و بازی‌هایی که گاه آزاردهنده‌اند به زندگی سخت و محیط یکنواخت و خسته‌کننده خود تنوع می‌بخشد...

## مهمان مامان



■ هوشنگ مرادی کرمانی  
■ آخرین چاپ: ۱۴۰۰  
■ انتشارات: نشر نی  
■ تعداد صفحات: ۹۶

«مهمان مامان» روایتی از روابط اعضای یک خانواده است با فامیل، همسایه‌ها، حکایت صمیمیت‌ها، نگرانی‌ها و در مجموع فرهنگ جاری در گوشه‌ای از این شهر بزرگ که طی ماجرای چندساعته بیان می‌شود. زبان داستان صمیمی و شیرین است و همین موجب می‌شود خواننده در حین داستان با اشک‌ها و لبخندها، داستان را تا انتها با شخصیت‌های دوست‌داشتنی کتاب همراهی کند...

لذت‌بخشی و اثرگذاری بسیار بر مخاطبان کودک و نوجوان، ترجمه‌پذیری سهل و قابلیت نفوذ آسان در میان سایر فرهنگ‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار این نویسنده است. نخستین اثر هوشنگ مرادی کرمانی که به زبانی دیگر ترجمه شد، داستان «سماور» از «قصه‌های مجید» بود که به زبان انگلیسی برگردانده و برای یونیسف ارسال شد. سپس، دیگر آثارش هم به زبان‌های مختلف آلمانی، اسپانیایی، فرانسوی، هلندی، عربی، ارمنی، هندی و ترکی ترجمه شدند که هر کدام از این ترجمه‌ها دلیلی بر داشتن مخاطبان جهانی آثار اوست؛ به همین دلیل او را نویسنده‌ای می‌دانند که شهرتش فراتر از مرزهای ایران است. مجموعه آثار هوشنگ مرادی کرمانی در «کمیته ملی حافظه جهانی» به ثبت رسیده است. این کمیته اواخر سال ۱۳۸۴ خورشیدی به‌عنوان زیرشاخه‌ای از کمیسیون ملی یونسکو تشکیل شد و هدف آن اجرای اهداف برنامه حافظه جهانی یونسکو است.

شاید به همین دلیل بود که شورای شهر تهران ۲۲ تیرماه سال ۱۴۰۰ با نامیدن خیابانی فرعی از خیابان‌های شرق خیابان حجاب (مقابل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) به نام «استاد هوشنگ مرادی کرمانی» موافقت کرد. اما دیری نپایید که این تصمیم با مخالفت فرمانداری شهر تهران روبه‌رو شد. پس از تغییر شورای شهر و دولت، در شهریور همان سال این تصمیم قطعی و کوچه‌هایی که به نام استادان ادبیات کودکان نامگذاری شده بود پلاک‌کوبی شد. اما در آذرماه پلاک‌ها کنده شد و نام‌های قبلی کوچه‌ها بازگردانده شد. انجمن نویسندگان کودک در این باره بیانیه‌ای صادر کرد و نوشت: «مهم‌ترین پیام این‌گونه تصمیم‌گیری به جامعه، نادیده گرفتن کودکان و نوجوانان و ادبیات ویژه آنان است و گویی اعضای این هیأت متوجه نیستند نویسنده‌هایی که زندگی‌شان را به پای بزرگ‌شدن کودکان و نوجوانان می‌ریزند، چگونه در بزرگ‌شدن شهر نقش دارند و چرا باید شهر به نامشان، به تخلی‌شان، به آثارشان و به همه نشانه‌های بودنشان احترام بگذارد و قدرشان را بداند...» سرانجام پس از مدتی ماجرا با نام‌گذاری معابری به نام چهار چهره آموزش و ادبیات کودکان و نوجوانان از جمله هوشنگ مرادی کرمانی پایان یافت.

آذرماه سال ۱۳۹۹ خبر رسید که متن «سفرنامه اصفهان» از سری داستان‌های «قصه‌های مجید» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی در کتاب‌های درسی مدارس دچار تغییر شده است. در متن اصلی داستان آمده است: «بی‌بی برایم باروبندیل بست. من هم بیکار ننشستم، ناشتایی خورده و نخورده پریدم روی چرخ...» اما در کتاب درسی متن را این‌طور تغییر دادند: «بی‌بی وقت نماز صبح بیدارم کرد، برایم باروبندیل بست. من هم نماز خواندم، ناشتایی خورده و نخورده، پریدم روی چرخ...» جای دیگری هم در متن اصلی داستان مرادی کرمانی آمده: «ظهر شد. صدای اذان می‌آمد. کار اکبرآقا تمامی نداشت. حوصله‌ام سر رفته بود...» اما در کتاب درسی بچه‌ها داستان را این‌گونه تغییر داده شده: «ظهر شد، صدای اذان می‌آمد، وضو گرفتم و نماز خواندم. کار اکبرآقا تمامی نداشت. حوصله‌ام سر رفته بود...» هوشنگ مرادی کرمانی در واکنش به این موضوع گفت: «هر شخصیتی که نویسنده‌ای می‌نویسد، طبیعتاً برای او کارهایی می‌گذارد که در حد توان و سوابق آن شخصیت است، نمی‌دانم با این کار چه هدفی را دنبال می‌کنند. به‌نظر من این موضوع بیشتر ضرر می‌زند، زیرا معلمان و بچه‌ها اصل قصه را می‌خوانند...»



**مرادی کرمانی**  
پدیدآورنده‌ای است که به خواندن در جامعه ما ارزش بخشیده است. او با آفرینش آثاری که کودکان محروم در آنها نقش ویژه دارند، تلاش کرده تا رنج‌ها و نیازهای این گروه را در جامعه منعکس کند و همین امر موجب گسترش مطالعه در جامعه شده است. تأکید بر ارزش‌های انسانی، لذت‌بخشی و اثرگذاری بسیار بر مخاطبان کودک و نوجوان، ترجمه‌پذیری سهل و قابلیت نفوذ آسان در میان سایر فرهنگ‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار این نویسنده است

کودکان و نوجوانان فیلم منتخب هیات‌داوران شد و دیپلم افتخار جشنواره را به دست آورد. اما اقتباس داریوش مهرجویی از داستان «مهمان مامان» مرادی کرمانی گام متفاوتی در مسیر انتقال کلمات او به پرده نقره‌ای سینما بود؛ چراکه «مهمان مامان» فیلم سینمایی کودک نبود؛ اگر چه به‌هرصورت فضای خاص داستان‌های او با طنز تلخ و خاصی که دارد، دارای نوعی جریان روحی کودکانه است. این موضوع در «مربای شیرین» ساخته مرضیه برومند نیز که اقتباسی از آثار مرادی کرمانی و البته فاقد جنبه‌های عامه‌پسند است، با وجود فضایی موزیکال و شبه‌فانتزی کودکانه مشاهده می‌شود؛ قصه‌ای با یک مساله ساده و پیش‌پاافتاده یعنی بازنشدن در شیشه مربا در قالب طنز و اغراق. ردپای کودکی در فیلم‌های «تک‌درخت‌ها» و «گوشواره» نیز دیده می‌شود. شعرهای نه‌چندان قاعده‌مند شخصیت شاعر کرمانی فیلم «تک‌درخت‌ها» برای خود شاعر سالخورده بسیار ارزشمند است؛ چون روایتگر دوران کودکی فرزنداننش بوده است.

هوشنگ مرادی کرمانی جوایز و افتخارات بسیاری را در جامعه ادبی، هنری و فرهنگی ایرانی و بین‌المللی به دست آورده است. او سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۱۴ از ایران نامزد جایزه جهانی هانس کریستین آندرسن شد؛ جایزه‌ای که نوبل کوچک نیز خوانده می‌شود و هر دو سال یک‌بار از طرف دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) در زمینه ادبیات کودک به نویسندگان تعلق می‌گیرد. او سال ۱۹۴۴ نیز جایزه کتاب سال کودکان و نوجوانان اتریش را از آن خود کرد. بهمن سال ۱۳۷۲ سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه دوازدهمین جشنواره فیلم فجر را برای فیلم «تیک‌تاک» به دست آورد. سال ۱۳۸۴ برگزیده پنجمین دوره چهره‌های ماندگار ایران شد؛ جشنواره‌ای که به منظور تجلیل از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و هنری کشور برگزار شده و تاکنون ۲۴۰ شخصیت و نخبه در عرصه‌های علم، فرهنگ و هنر در آن معرفی شده‌اند. مرادی کرمانی سال ۱۹۹۵ جایزه حوزه مارتینی (نویسنده و قهرمان ملی آمریکای لاتین) را گرفت. جایزه مهرگان ادب و عنوان نویسنده برگزیده کشور کاستاریکا نیز از دیگر افتخارات این نویسنده محبوب این نویسنده است.

مرادی کرمانی درباره اثرپذیری‌اش از نویسندگان مطرح و علائقش به آثار سینمایی گفته است: «عایانه‌نویسی را از صادق چوبک، شاعرانه‌نویسی را از ابراهیم گلستان، ایجاز را از ارنست همینگوی و «گلستان» سعدی، احساس را از صادق هدایت و طنز را از خخوف و دهخدا آموخته است؛ در سینما از همه بیشتر به سینمای نئورئالیستی ایتالیا از جمله «دزد دوچرخه» ی ویتوریو دسیکا عشق می‌ورزد، از سینمای کلاسیک آمریکا «ماجرای نیمروز» فرد زینه‌مان را دوست دارد و در مورد سینمای ایران فیلم «مسافر» امیر نادری و «کودک و سرباز» رضا میرکریمی را دوست دارد؛ زیرا در این فیلم‌ها می‌توان آدم‌ها و فضای اصیل ایرانی را پیدا کرد.

استفاده از ضرب‌المثل‌ها و آداب و رسوم عامه، کاربرد واژگان محاوره‌ای و آمیختگی نظم و نثر، از دیگر ویژگی‌های آثار هوشنگ مرادی کرمانی است که در آخرین آثارش مانند «ماه شب چهارده» و «نتر و نه خشک» نیز به خوبی قابل لمس است.

مرادی کرمانی پدیدآورنده‌ای است که به خواندن در جامعه ما ارزش بخشیده است. او با آفرینش آثاری که کودکان محروم در آنها نقش ویژه دارند، تلاش کرده تا رنج‌ها و نیازهای این گروه را در جامعه منعکس کند و همین امر موجب گسترش مطالعه در جامعه شده است. تأکید بر ارزش‌های انسانی،